

زبان فارسی در گستره تمدن ایران زمین

تألیف

دکتر فاطمه مدرسی

(استاد دانشگاه ارومیه)

انتشارات تمدن ایرانی

۱۳۹۴

سرشناسنامه :	مدرسی، فاطمه، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور :	زبان فارسی در گستره تمدن ایران زمین / تألیف فاطمه مدرسی.
مشخصات نشر :	تهران: تمدن ایرانی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری :	۱۵۱ ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
شابک :	۷۵۰۰۰ ریال: ۲-۳۸-۹۹۵۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی :	فیبا
یادداشت :	کتابنامه: ص. [۱۴۵] - ۱۵۱.
یادداشت :	نمایه.
موضوع :	فارسی -- تاریخ
موضوع :	فارسی -- ایران
موضوع :	زبان‌های ایرانی -- تاریخ
رده‌بندی کنگره :	۱۳۹۳ ز ۲ / م ۴ / PIR ۲۶۵۵
رده‌بندی دیویی :	۴ فا ۰ / ۹
شماره کتابشناسی ملی :	۳۶۱۵۹۴۳



انتشارات تمدن ایرانی

زبان فارسی در گستره تمدن ایران زمین

تألیف :	فاطمه مدرسی
حروفچین :	محمود قره‌داغلی
طراح جلد :	خالد رسولی
ناشر :	انتشارات تمدن ایرانی
نوبت چاپ :	اول - ۱۳۹۴
چاپ و لیتوگرافی :	کسری
شمارگان :	۵۰۰ نسخه
شابک :	۲-۳۸-۹۹۵۹-۹۶۴-۹۷۸
قیمت :	۷۵۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۴۳ ص پ: ۹۱۹-۱۳۱۴۵
 نشانی اینترنتی مؤسسه مطالعات ملی: www.rinsweb.ir تلفکس: ۶۶۴۱۵۴۸۸ - ۶۶۴۱۵۴۶۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	سخن ناشر.....
۷	مقدمه.....
۱۵	تحول تاریخی زبان فارسی.....
۲۷	خیزش دوباره زبان فارسی در دوره اسلامی.....
۲۷	دوره طاهریان.....
۳۰	دوره صفاریان.....
۳۳	دوره سامانیان.....
۴۳	غزنویان.....
۴۶	سلجوقیان.....
۵۳	خوارزمشاهیان.....
۵۷	تیموریان.....
۶۰	دوره صفوی.....
۶۸	پس از دوره صفویه.....
۶۸	دوره قاجار و انقلاب مشروطه.....
۷۷	فتوت عامل ترویج زبان فارسی.....
۸۰	نفوذ زبان فارسی در آسیای میانه.....
۸۰	شیبانیان.....
۸۱	تاجیکستان.....
۸۳	نشر زبان پارسی در آسیای صغیر.....
۹۹	کشورهای اروپای شرقی.....

۹۹	آلبانی
۱۰۰	بالکان
۱۰۴	بوسنی و هرزگوین
۱۰۶	زبان فارسی در شبه قاره هند
۱۱۶	بنگلادش
۱۲۲	قفقاز
۱۲۶	آران
۱۲۸	پارسی گویان حوزه آران
۱۲۸	آذربایجان
۱۳۲	داغستان
۱۳۴	گرجستان
۱۳۵	ارمنستان
۱۴۱	نتیجه گیری
۱۴۵	منابع

به نام خدا

سخن ناشر

آنان که دغدغه و دلمشغولی تفکر، تأمل و اندیشه در حوزه هویت دارند می‌دانند که نسل‌های آینده رشد و تعالی یا رکود خود را مدیون «هویت‌پژوهی» در دوره‌های مختلف تاریخ هستند. اندیشیدن و تحقیق در مورد هویت، صرفاً ناشی از مسئولیت نیست، بلکه نتیجه تفکر همزمان به امکان هستی و نیستی انسان است؛ دو امکانی که یکی موجب حس مسئولیت جمعی و دیگری موجب حس جاودانگی در انسان است.

براین اساس، تحقیق و مطالعه در زمینه مبانی و مؤلفه‌های هویتی در ایران در راستای حفظ و تقویت هویت ملی کشور عزیزمان که قدمتی به فراخنای طول تاریخ دارد، به‌ویژه در عصر حاضر که با تعدد مراکز هویت‌ساز و هویت‌فرست مواجه‌ایم، و بسیاری از این مراکز در تقابل با هویت ایرانی - اسلامی قرار دارند، از ملزومات و ضروریات محسوب می‌شود. از سوی دیگر، مطالعه جوامع و دولت‌ها در عصر جهانی شدن نشان از قبض و بسط و تحولات سریع در امور مختلف از جمله «هویت ملی» دارد که این امر نیز هویت‌پژوهی در دنیای امروز را ناگزیر می‌سازد.

به علاوه، مقوله هویت ملی، به‌ویژه در ایران، از جمله موضوعات زیربنایی است که ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با پرسمان‌های کلان از قبیل وحدت و انسجام ملی، توسعه ملی، منافع ملی، نظم اجتماعی، ثبات سیاسی و امنیت ملی دارد.

در یک طبقه‌بندی، هویت ملی دارای سطوح مختلف مانند ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و ابعاد مختلف مانند دینی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... است. بررسی تمامی این سطوح و ابعاد و تحولات مرتبط با آنها در مجموعه کتاب‌هایی که طیف

گسترده‌ای از مخاطبان و علاقمندان به مباحث هویتی را دربرمی‌گیرد، توسط انتشارات تمدن ایرانی و با بهره‌گیری از متخصصان و کارشناسان فرهیخته موضوع صورت گرفته است. از آنجا که هویت یک موضوع بین رشته‌ای است، مجموعه کتاب‌های حاضر به گونه‌ای طراحی و تدوین شده است که برای علاقمندان رشته‌های مختلف از جمله علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی، تربیت‌بدنی و ورزش، هنر و معماری، جغرافیا، تاریخ، زبان و ادبیات فارسی، اقتصاد و... مفید و قابل استفاده باشد. کتاب حاضر با عنوان «زبان فارسی در گستره تمدن ایران زمین» یکی از این مجموعه کتاب‌هاست که خواندن آن به علاقمندان مباحث هویتی توصیه می‌شود.

انتشارات تمدن ایرانی امیدوار است که انتشار این کتاب، گامی درخور در زمینه حفظ و تقویت مبانی و مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی و پاسخ مناسبی به دغدغه‌مندان و تلاشگران در این زمینه باشد.

انتشارات تمدن ایرانی

مقدمه

قدرت تکلم و توانایی برقراری ارتباط بشر به اندازه‌ای حائز اهمیت است که از دیرباز اندیشمندان علم فلسفه و منطق، وجه تمایز مهم میان انسان و سایر موجودات را توانایی او در قدرت سخن گفتن و اندیشیدن دانسته‌اند. براین پایه علم زبان‌شناسی در سده‌های اخیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گشته است و زبان‌شناسان متعددی به بررسی چیستی زبان و ویژگی‌ها و نقش آن در فرایند تکامل بشری پرداخته‌اند. یکی از این زبان‌شناسان مشهور قرن بیستم فردینان دو سوسور زبان‌شناس سوئسی (۱۹۱۳-۱۸۵۷) است. او دارای نظریه‌های نوین و کاربردی زیادی در زمینه زبان و مسایل مربوط به آن است که توانست بررسی علمی زبان را در آغاز سده بیستم، بر شالوده‌های نوینی پایه‌گذاری کند.

سوسور زبان را نظامی بالقوه می‌داند که تنها در ذهن اهل زبان وجود دارد و متشکل از علایمی است که ارتباطی یک به یک با مقولات دنیای خارج دارند و از قوانینی مشخص پیروی می‌کنند. هدف او بررسی عینی این نظام بدون در نظر گرفتن بعد زمان و تأثیرات آن بود (مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۹۴). سوسور کوشید تا نشان دهد زبان مجموعه‌ای از صداها و واژه‌ها نیست، بلکه نظامی از نشانه‌هاست که بیانگر مفاهیم است، از این رو با نظام‌های نشانه‌ای دیگر قابل مقایسه می‌باشد، هر چند که متفاوت از همه آنهاست (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۷۶). سوسور به این دلیل از واژه نظام به جای ساخت یاری گرفت که باور داشت ماهیت نظام وار زبان را از گفتار جدا می‌سازد. بدین معنی که این گوهر زبان، آنچه را که اجتماعی است، از آنچه فردی است، یعنی موارد بنیادین را از آنچه کمابیش تصادفی است،

متمایز می‌کند (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۶/۱). سوسور اصطلاح فورم / form را برای نامیدن این شبکه روابط یا نظام زبانی به کار می‌برد، تا آن را از صورت که جوهر مادی زبان است و به نظر او جزو زبان نیست متمایز کند (باطنی، ۱۳۷۵: ۷۹).

سوسور اعتقاد دارد که پدیده زبان، هم از یک نظام مشخص و استوار برخوردار است و هم تحول‌گدشته را به همراه دارد. به این معنی که در هر لحظه، پدیده زبان هم نهادی موجود و هم محصول گذشته است. در نگاه نخست، تشخیص میان نظام و تاریخ آن، چنان به یکدیگر نزدیک و پیوسته است که به سختی می‌توان آنها را از یکدیگر جدا نگه داشت (همان، ۶۸).

در مکتب زبان‌شناسی انگلستان زبان نوعی از رفتار انسانی فرض شده است که طرح دارد. مکتب زبان‌شناسی امریکایی، زبان را مجموعه‌ای از جمله‌ها می‌داند، و اعتقاد دارد که هر جمله‌ای متشکل از تعدادی محدود از عناصر است که ساختمان ویژه خود را دارد. در مفهوم سوسور هر جمله عنصری است از زبان، یعنی هر جمله می‌تواند هر چند دفعه که متصور باشد در شرایط عینی عملاً تحقق یابد. پس مجموعه جمله‌های یک زبان طبیعی در مفهومی صرفاً نظری کاملاً نامحدود است. براین پایه، هر زبانی از مجموعه نامحدودی جمله تشکیل شده است. به عقیده هر دو زبان‌شناس، «زبان به عنوان یک نظام که به یک قوم تعلق دارد، جهان‌بینی آن قوم را تشکیل می‌دهد. زبان تنها وسیله نیست، بلکه مخزن و صورت (شکل) فکر است. او می‌گوید: زبان صورت علوم است و تفکر برپایه آن صورت می‌پذیرد.» (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۱۴۵).

نوام چامسکی زبان‌شناس، فیلسوف، ریاضیدان و نظریه‌پرداز امریکایی، راجر برون روان‌شناس و اریک لنبرگ زیست‌شناس نظریه‌ای که مکمل نظریه اجتماعی زبان است، عرضه کردند. بنابراین نظریه، زبان یک شالوده زیستی است که در طی سده‌ها از رهگذر تکامل حاصل شده است و در هنگام تولد ذاتی ذهن هر کودک است. زبانی که کودک از محیط می‌آموزد در حکم روینایی است که بر این شالوده ژنتیکی قرار می‌گیرد.

به نظر آندره مارتینه زبان‌شناس برجسته فرانسوی، زبان ابزاری است که برای ایجاد ارتباط، یعنی تفهیم و تفاهم در جامعه به کار می‌رود. در گفتار عادی «زبان» به معنی اخص آن بیانگر توانایی انسان‌ها در امر تفهیم و تفاهم به یاری نشانه‌های آوایی است (مارتینه، ۱۳۸۰: ۲۸).

او بر این اعتقاد است که به وسیلهٔ زبان، این ابزار ارتباطی تجربهٔ انسانی در هر جامعه‌ای به گونه‌ای متفاوت به واحدهایی تجزیه می‌شود که دارای محتوایی معنایی و صورت آوایی هستند و تک‌واژه را تشکیل می‌دهند. صورت آوایی تک‌واژه‌ها خود از واج‌هایی تشکیل می‌شود و تعدادشان در هر زبانی معین است. بنابراین، نشانه‌های زبانی بشر بیش از هر چیز آوایی هستند و صدها هزار سال منحصراً آوایی بوده‌اند و هنوز افراد زیادی هستند که قادرند سخن بگویند، اما توانایی خواندن را ندارند. خواندن همیشه بازتاب ثانوی گفتار است و نه بر عکس (سوسور، ۱۳۷۸: ۹).

یلمسلف زبان را ترکیبی از دو سطح تصور می‌کند، یعنی «بیان» و «محتوا» که به وسیلهٔ رابطه‌ای که بدان نشانهٔ زبانی گویند، پیوند یافته است. هر کدام از این دو سطح ترکیب دوگانه‌ای دارد که با اصطلاحات «صورت» و «جوهر» بیان می‌شود (ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۲۵۵). از میان فلاسفه، تجربه‌گرایان و از میان روان‌شناسان، رفتارگرایان بر این اعتقادند که زبان مخلوق اجتماع است و ناگزیر همانند ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی جنبهٔ اکتسابی دارد. در مکتب رفتارگرایان، زبان نوعی رفتار شناخته شده است. رفتاری که طرح و ویژه‌ای دارد که با کاربرد امواج صوتی با محیط اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند. بدون تردید زبان پدیده‌ای فردی و اجتماعی است. این دو جنبه را نمی‌توان تفکیک کرد و از این نظر پدیدهٔ فردی است که به صورت گفتار یا کنش زبانی یک فرد خاص در موقعیتی ویژه ظاهر می‌شود، هم بر پایهٔ آن همهٔ افراد یک جامعهٔ هم‌زبان به منظور آگاهی از احساسات و اندیشه‌های یکدیگر و برقراری ارتباط با یکدیگر سخن می‌گویند (نک: ساغروانیان، ۱۳۶۹: ۲۵۵).

باید توجه داشت که زبان را از دیدگاه‌های دیگر نیز تعریف کرده‌اند:

۱- دیدگاه ازگون: از این منظر، زبان دستگاهی است از نشانه‌ها و علائم برای بیان محتویات و مفاهیم و معانی ذهنی انسان. در این دیدگاه به ترکیب نشانه‌ها و علائم که نشانگر مقاصد و معانی هستند، توجه می‌شود و موضوع مطالعهٔ آن ثابت است. زبان‌شناسی دستور زبان را از این دیدگاه بررسی می‌کند.

۲- انومیگیا: از این دید، زبان عبارت است از تحمّل و استعدادی برای کاربرد مفاهیم به جهت هدف‌های معین. از این منظر به عمل سخن گفتن و چگونگی سخن آن و پشتوانهٔ

روانی فعال و متحرکی که در پس این عمل واقع است، توجه می‌شود. هدف روان‌شناسی زبان، مطالعه زبان از این دیدگاه است. با این حال، همان‌گونه که نیکولای کروژفسکی به سال ۱۸۸۲ برای بودن دو کرنتی نوشت، برای توصیف دقیق زبان، دانشی نوین و همگانی تر لازم است تا به‌عنوان نوعی پدیده‌شناسی به کار رود برای دست یازیدن به چنین مهمی باید مبانی این علم را در درون زبان جست‌وجو کرد (نک: صفوی، ۱۳۷۳: ۲۵).

از ادغام تعریف‌ها و ویژگی‌هایی که از زبان شد، می‌توان تعریف ترکیبی زیر را به دست آورد: زبان، از نشانه‌ها و قراردادهای اجتماعی است که برای ایجاد ارتباط میان سخنگویان یک جامعه به کار می‌رود. این نشانه‌ها اختیاری هستند و مفاهیم را با صورت‌های آوایی - یا بصری - پیوند می‌دهند. زبان را نباید با قوه ناطقه اشتباه کرد. زبان تنها بخشی از قوه ناطقه است. در عین حال فرآورده‌های اجتماعی و نیز مجموعه‌ای از قراردادهای ضروری است که از سوی جامعه مورد پذیرش قرار گرفته است تا افراد بتوانند قوه یاد شده را به کار اندازند. نکته آخر آن که تعریف زبان به گونه‌ای که مورد پذیرش تمامی زبان‌شناسان و پژوهشگرانی باشد که با زبان و مطالعه آن سروکار دارند، مقدور نیست. این اشکال از طبیعت و خوی زبان ناشی می‌شود که پدیده‌ای بسیار پیچیده است و مطالعه آن را نمی‌توان به یک قلمرو محدود کرد. زیرا دارای جنبه‌های فراوان فرهنگی، اجتماعی، روانی، فلسفی، منطقی و زبانی می‌باشد.

زبان به‌عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباطی و ابزار اندیشه، با خلق آثار ادبی و فرهنگی، ضامن بقا و قوام ملی و گسترده‌گی فرهنگ و تمدن یک ملت در درازای زمان می‌گردد. ملتی که زبان غنی و پرمایه ندارد، از فکر خلاق بی‌بهره است. از این رو هر ملتی برای خلق فرهنگی قوی و بارور نیازمند زبانی توانا، پویا و در خور گسترش است.

شایان توجه است که «زبان فراگیرترین عنصر مشترک هویتی است که می‌تواند فارغ از بُعد جغرافیا و همجواری سرزمینی تا حد زیادی وجه‌نظرها، ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و انتقال این مجموعه در توالی نسل‌ها به عهده بگیرد. بنابراین، در میان عناصر هویتی، زبان در رتبه اول شبکه ارتباط و تعامل اجتماعی قرار دارد. هم‌چنین تعهد به حفظ و صیانت از زبان و جایگاه و مراتبی که هویت زبانی به‌عنوان ظرف ارزش‌ها، باورها،

ادبیات، هنر و ظرایف فرهنگی دارد، زمینه‌ساز محکم‌ترین تعهدات اجتماعی و فردی است که افراد و گروه‌ها برای خود قایل هستند. چنان‌که پاره‌فرهنگ‌های محلی، اغلب با تکیه بر اشتراک زبانی، هویت خود را در فراسوی نسل‌ها و قرن‌ها متوالی در درون یک جامعه بزرگتر حفظ و صیانت کرده‌اند» (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۶).

شایان عنایت است که در مورد هویت ملی آنچه که اغلب محققین در آن اتفاق نظر دارند، این است که مؤلفه‌های هویت ملی در ایران عبارتند از: ۱) جغرافیا و سرزمین ۲) زبان فارسی با همه تغییراتی که در اثر آمیزش با زبان‌های دیگر داشته است و ۳) دین اسلام که به‌رغم همه اختلافات فرقه‌ای، اصل و اساس آن ثابت و استوار مانده است. «بی‌گمان فرهنگ و خاصه زبان را باید از مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع هویت دانست. افراد و گروه‌ها همواره با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی گوناگون، هویت می‌یابند، زیرا این اجزا و عناصر، توانایی چشمگیری در تأمین نیاز انسان‌ها به متمایز بودن و ادغام شدن در جمع را دارا هستند. فرهنگ در جوامع سنتی به خوبی از عهده انجام کار ویژه هویت‌سازی برمی‌آمد. در چنین جوامعی فرهنگ نه تنها مرزهای شفاف و پایداری را ایجاد می‌کرد، بلکه در عرضه کردن نظام‌های معنایی منسجم و آرامش‌بخش هم توانا بود. بنابراین، انسان‌هایی که در دنیای شکل‌یافته با فرهنگی معین قرار می‌گرفتند، خود به خود و منفعلانه وارث هویت و نظام معنایی آماده و از پیش موجود می‌شدند و هرگونه زمینه بحران هویت و معنا تقریباً از بین می‌رفت. زبان افزون بر آن که خود حاصل بار معنایی هویت است، از طریق آفرینش و انتقال نظام معنایی قابل فهم برای دیگران نیز به مثابه ظرف و کانال انتقال سایر عناصر هویتی ایفای نقش می‌کند. چنان‌که اغلب از طریق زبان و مجموعه پیوسته به آن است که ما نسبت به هویت تاریخی و تلاش نیاکان برای حفظ و حراست از هویت ملی و میهنی و سایر ارزش‌ها، اسطوره‌ها و آداب فرهنگی و اجتماعی که به ما رسیده است، آگاه می‌شویم» (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۶).

در خور تأمل است که زبان فارسی با پیشینه ادبی چند هزار ساله خود، نه تنها به‌عنوان یک زبان، بلکه به‌عنوان یک فرهنگ، و آن هم فرهنگی غنی، پربار و با معنویت در گوشه و کنار جهان شناخته شده، که مسؤولیت انتقال اندیشه‌های بلند معنوی، دینی، اخلاقی و

عرفانی را عهده‌دار بوده است. این زبان توانا و پرظرفیت، رکن اصلی هویت فرهنگی ایرانیان و عنصر اساسی جامعه ایرانی، توانسته در خلق شاهکارهای ادبی و هنری و اشاعه فرهنگ و تمدن ایرانی طی سده‌های متمادی نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. بی‌سبب نیست که هرگاه سخن از صیانت و گسترش فرهنگ ایرانی می‌رود، مسأله زبان پارسی که والاترین پدیده فرهنگی ملت ایران است، به‌عنوان عنصری بنیادین مطرح می‌گردد. زبان و ادبیات فارسی از حیث هویت بخشی و فرهنگ‌سازی، چه در حوزه قوم ایرانی و چه از جهت شمول معارف و فرهنگ بشری و عنایت متفکران و محققان جهان به اندیشه‌ها و موارث فرهنگ بشری، از جمله متون کم‌نظیر است. توجه محققان جهان به مجموعه آثار منظوم و منثور فارسی، به‌ویژه در قرون متأخر، مؤید این ادعاست. این زبان با پیشینه‌ای افتخارآمیز و کهن خود در رویش و تکوین فرهنگ و تمدن ایران و جهان مقام ممتاز و درخشانی دارد. چراکه زبان دانشمندان و شاعران و نویسندگان برجسته‌ای چون ابن سینا، رازی، فردوسی، خیام، مولوی، سعدی، حافظ و... است که نمایندگان فکری و ادبی این ملت گرانبمایند و نام و آوازه‌شان به مانند مرواریدی تابناک بر تارک فرهنگ و تمدن جهانی می‌درخشد. این گرانبایگان، ثمره ذوق و قریحه و هنر و نبوغ خود را با این زبان به بشریت تقدیم داشته‌اند، از این رو جایگاهی ممتازی در سطح جهان دارند. به این معنی که زاده‌های فکری و اندیشه این بزرگان به علت دارا بودن تجربه‌های ناب و آموزه‌های متعالی انسانی، دلپذیرترین آرمان‌ها و دغدغه‌های جهان انسانی بسیاری از مؤلفه‌های شاهکارهای جهان را هم در صورت و هم در معنا در خود دارند. وجود چنین سرمایه کم‌نظیری در گنجینه قلمرو فرهنگ ایرانی و اسلامی، پشتوانه بسیار محکمی است برای این کشور که تا با کمترین نگرانی و تشویش بتواند به سوی ارتباط و تعامل فرهنگی با جهان گام بردارد و به بهترین وجه از فضای ایجاد شده مبتنی بر گسترش شگفت‌آور فناوری اطلاعات و ارتباطات برای تقویت و گسترش فرهنگ ایرانی و اسلامی و نیز هویت ملی خود سود ببرد.

برخلاف برخی ملت‌ها که در طول تاریخ، حتی فرهنگ و زبان خود را به فراموشی سپرده‌اند یا دست کم زبان‌شان آنچنان دچار تحولات بنیادی شده که ارتباط آنها را با

گذشته‌شان دشوار می‌سازد، فارسی زبانان چنان سنت فرهنگی پیوسته‌ای دارند که شعر یک هزار سال پیش فارسی را تمامی فارسی زبانان درمی‌یابند و از آن بهره می‌جویند. این پیشینه کهن و نیز لطافت و طراوت شعر و ادب فارسی مشتاقان زیادی را به خود جلب کرده و آموزش زبان فارسی را به موضوعی مهم بدل ساخته است. از سوی دیگر ارتباط گسترده ایران و نقش مهم آن در منطقه و جهان و گسترش روز افزون تبادلات علمی و مراودات سیاسی ایرانیان با گویش‌وران زبان‌های دیگر مؤید این واقعیت است که آموزش زبان فارسی و اشاعه آن رسالتی خطیر است.

کشور کهنسال ایران با آن‌که در سراسر تاریخ خود پیوسته دستخوش کشمکش، ویرانی، تاخت و تاز بیگانگان و پیروزی، شکست و فراز و نشیب‌های مختلف بوده است، بارها مورد هجوم و یورش بیگانگان قرار گرفته و فرمانروایان بیگانه بر آن فرمان رانده و فرهنگ و قوانین خود را بر آن تحمیل نموده‌اند، اما این فرهنگ غنی و به‌ویژه زبان پارسی به‌عنوان استوارترین رکن این فرهنگ، در برابر این توفان‌های هولناک پایداری نموده و ملت‌های غالب را زیر نفوذ معنوی خود قرار داده است. نگارنده بر آن است که نظری و گذری داشته باشد بر زبان پارسی در طول سده‌های مختلف تاریخی و سپس براین اساس، رمز ماندگاری این زبان شیرین را بیان دارد.

دکتر فاطمه مدرسی

استاد دانشگاه ارومیه

F.Modarresi@urmia.ac.ir